

۱۳۶- کدام موارد، از ویژگی‌های «فکری» سبک خراسانی محسوب می‌شود؟

(الف) حاکم بودن روح حماسه بر ادبیات این دوره

(ب) واقع‌گرا بودن شعر، محسوس و عینی بودن آن و سادگی توصیفات

(ج) بهره گرفتن از تشبیهات حسی در توصیف پدیده‌ها

(د) رشد قالب غزل در اواخر این دوره

(۱) الف - ب (۲) الف - د (۳) ب - د (۴) ب - ج

۱۳۷- متن زیر برگزیده‌ای از کدام اثر ادبی است و مربوط به کدام دوره است؟

«پس عبدالمطلب گفت که ایها الملک، من خداوند اشرتم نه خداوند خانه و مر این خانه را خداوندی هست و او خود خانه خود را نگاه دارد.»

(۱) قابوس‌نامه - دوره غزنوی

(۲) کشف المحجوب - دوره غزنوی

(۳) کیمیای سعادت - دوره سلجوقی

(۴) ترجمه تفسیر طبری - دوره سامانی

۱۳۸- پدیدآورندگان «مکاتیب - صد پند - نفعات الانس - عشاق‌نامه» به ترتیب خالق آثار نیز هستند.

(۱) مجالس سبیه - رساله دلگشا - بهارستان - لمعات

(۲) فیه مافیه - تاریخ گزیده - تحفة الاحرار - جامع التواریخ

(۳) مثنوی معنوی - اخلاق الاشراف - تذکرة الاولیا - تاریخ جهانگشا

(۴) دیوان شمس - موش و گربه - مرصادالعباد - جمشید و خورشید

۱۳۹- از دیدگاه تاریخ ادبیات همه موارد کاملاً درست است، به جز:

(۱) بازماندگان تیمور کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و ادبیات رونقی تازه گرفت و تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت.

(۲) جامی در کتاب نفعات الانس خود به شیوه تحفة الاحرار نظامی به بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان پرداخته است.

(۳) بایسنقر میرزا هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان قرآن کریم و شاهنامه فردوسی را به خط خوش نگاشتند.

(۴) پس از مرگ تیمور، شاهرخ با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود.

۱۴۰- در همه ابیات ویژگی‌های «فکری» سبک عراقی مشهود است، به جز:

(۱) می صوفی افکن کجما می فروشدند که در تا بام از دست زهد ریایی

(۲) بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت که در مقام رضا باش و ز قضا مگریز

(۳) نعمت عاجل و اجل به تو داد از ملکمان زان که ضایع نشود هرچه به جای تو کند

(۴) خبر از عشق نبوده است و نباشد همه عمر هر که او را خبر از شنعت و رسوایی هست

۱۴۱- سراینده کدام بیت «غلط» معرفی شده است؟

(۱) جنگ ننگ است در شریعت من ز پی پاس دین و حفظ وطن (ادیب‌الممالک فراهانی)

(۲) آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی (عارف قزوینی)

(۳) غلغلی انداختی در شهر تهران ای قلم خوش حمایت می‌کنی از شرع قرآن ای قلم (سید اشرف‌الدین گیلانی)

(۴) گر این چنین به خاک وطن شب سحر کنم خاک وطن چو رفت چه خاکی به سر کنم (میرزاده عشقی)

۱۴۲- انتساب کدام آثار به پدیدآورنده آن «غلط» معرفی شده است؟

(۱) (شمس و طغرا: حسن مقدم) (بره گمشده راعی: امین فقیری)

(۲) (تنگسیر: صادق چوبک) (شمس‌الدین و قمر: میرزا حسن خان بدیع)

(۳) (خداوندنامه: صبای کاشانی) (تاریخ تطوّر نظم فارسی: محمد تقی بهار)

(۴) (تاریخ بیداری ایرانیان: ناظم الاسلام کرمانی) (منتشآت: قائم مقام فراهانی)

۱۴۳- همه موارد، بیانگر ویژگی‌های «سطح ادبی» شعر معاصر است، به جز:

(۱) انتخاب وزن، متناسب با لحن طبیعی گفتار و زبان شعر است.

(۲) صور خیال، جدید و نو هستند و تکرار تصاویر شاعران دوره‌های قبل نیستند.

(۳) سادگی و روانی زبان شعر و جمله‌بندی‌های ساده در شعر معاصر کاملاً چشمگیر است.

(۴) ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی‌گریزی از ویژگی‌های شعر این دوره است.

۱۴۴- نویسنده «داستان باستان - جای پای خون - همسایه‌ها - تهران مخوف» به ترتیب، چه کسانی هستند؟

- (۱) میرزا حسن خان بدیع - سید مهدی شجاعی - جمال‌زاده - محمد باقر میرزا خسروی
- (۲) میرزا حسن خان بدیع - سید مهدی شجاعی - احمد محمود - مشفق کاظمی
- (۳) میرزا حبیب خراسانی - علی مؤذنی - جمال‌زاده - محمدباقر میرزا خسروی
- (۴) محمدباقر میرزا خسروی - علی مؤذنی - احمد محمود - مشفق کاظمی

۱۴۵ آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند، به جز:

- (۱) زان پیش که در زلف تو بندیدم دل خویش
 - (۲) تا زلف و رخت بردم از سایه و روشن
 - (۳) دور از لب شیرین تو چون شمع سیه روز
 - (۴) با گریه خونین من و خنده مهتاب
- ما رشته مهر از همه بگسیخته بودیم (مجاز، تضاد)
از شاخه سرو چمن آویخته بودیم (لف و نشر، مجاز)
خوش آتش و آبی به هم آمیخته بودیم (استعاره، ایهام)
آب رخی از شبنم و گل ریخته بودیم (استعاره مصرحه، استعاره مکنیه)

۱۴۶- نوع استعاره در همه ابیات با شعر زیر یکسان است، به جز:

- «می تراود مهتاب، می درخشد شب تاب
نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می شکند
- (۱) کام حرص است که از شهد نگردهد شیرین
 - (۲) باغ سلام می کند سرو قیام می کند
 - (۳) از ترش رویی گردون گله بی انصافی است
 - (۴) از لعل تو گر یابیم انگشتری زنهار

۱۴۷- در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و حسن آمیزی» یافت می‌شود؟

- (۱) پای خوابیده به فریاد نگردهد بیدار
 - (۲) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
 - (۳) بر لب کوه جنون خنده شیرین بهار
 - (۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید
- ورنه قانع ز نی خشک شکر می‌چیند
سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد
خنده برق شنیدی به خس و خار چه کرد
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

۱۴۸- در ابیات زیر چند وجه شبه مشهود است؟

- (الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب
 - (ب) بی آن لب چون شکر تنم را
 - (ج) روح ز تو خوبتر به خواب نبیند
 - (د) درفشان لاله در وی چون چراغی
- بند با عاشق بیدل چه تواند کردن
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
نقش زخمی است که از تیشه فرهاد شکفت
در رهگذر باد نگهبان لاله بود

- کآبم از سر همچو نیلوفر گذشت
همچون شکر اندر آب دادی
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند
ولیک از دود او بر جاننش داغی

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۴۹- آرایه‌های روبه‌روی کدام ابیات، درست است؟

- (الف) عمری است که چون جام جگر تشنه عشقم
 - (ب) در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز
 - (ج) عشق را در پرده ناموس دیدن مشکل است
 - (د) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است
- و ایام به من جرعه جامت نرسانید (مجاز، تشخیص)
وز لعل شکر بار می و نقل فرو ریز (لف و نشر، موازنه)
شمع را در جامه فانوس دیدن مشکل است (موازنه، تشخیص)
کلاهی دلکش است اما به ترک سر تمی‌ارزد (جناس، کنایه)

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) ب - ج (۴) الف - د

۱۵۰- در تمام ابیات همه ارکان تشبیه وجود دارد، به جز:

- (۱) در غمش چون دانه ناز است آب چشم من
 - (۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند
 - (۳) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
 - (۴) پروای سرد و گرم خزان و بهار نیست
- وز لبش کام روانم نازدانی بیش نیست
کان نرگس مست و گل خندان من اینجاست
کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب
آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است

- ۱۵۱- آرایه‌های (کنایه - جناس - ایهام تناسب - استعاره - لف و نشر) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟
 الف) بر آن سرم که جفای تو را به جان بخرم
 ب) من مات صورت تو که در کارگاه حسن
 ج) مژّه و ابروی او دیدم و با دل گفتم
 د) کس مبادا به سیه‌روزی ما در ره عشق
 ه) بی‌زلف سرکشش سر سودایی از ملال
 (۱) الف - د - ج - ه - ب
 (۲) د - الف - ب - ه - ج
 (۳) د - ه - ج - الف - ب
 (۴) ه - د - ب - الف - ج
- ۱۵۲- کدام ابیات «فاقد» ردیف است؟
 الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم
 ب) تنگ شد از غم دل، جای به من
 ج) مشو تا توانی ز رحمت بری
 د) گدایی که بر خاطرش بند نیست
 ه) خوش آن که نگاهش به سرو پای تو باشد
 (۱) ب - ج - د
 (۲) ب - د - ه
 (۳) الف - ج - د
 (۴) الف - ج - ه
- ۱۵۳- کدام بیت، براساس قاعده و تبصره «۱» قافیه سروده شده است؟
 (۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود
 (۲) از پسته تنگ خود آن یار شکر بوسه
 (۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی
 (۴) میر من خوش می‌روی کندر سر و پا میرمت
 (۱) کار فرو بسته‌ام هیچ گشایش ندید
 (۲) هیچ مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست
 (۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه
 (۴) آگاهی ز راحت عشاق خسته نیست
- ۱۵۴- وزن مصراع زیر با کدام مصراع، یکسان است؟
 «گر خون من ز شیشه بریزد به جام او»
 (۱) کار فرو بسته‌ام هیچ گشایش ندید
 (۲) هیچ مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست
 (۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه
 (۴) آگاهی ز راحت عشاق خسته نیست
- ۱۵۵- در همه ابیات هر دو اختیار «وزنی و رباعی» وجود دارد، به جز:
 (۱) گره به باد مزن گرچه بر مراد رود
 (۲) حافظ از آب حیات ازلی می‌خواهی
 (۳) مستم کن آن چنان که ندانم ز بی‌خودی
 (۴) زنه‌ار از آن عبارت شیرین دل فریب
- ۱۵۶- بیت زیر فاقد کدام «اختیار شاعری» است؟
 «هر که در سایه تو باشد نیست
 روز او را به آفتاب نیاز»
 (۱) ابدال
 (۲) حذف همزه
 (۳) بلند بودن هجای پایان مصراع
 (۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
- ۱۵۷- کدام بیت را «نمی‌توان» به دو صورت تقسیم‌بندی هجایی کرد؟
 (۱) سپهر با همه بی‌مهریش به مهر آمد
 (۲) گنجینه مهر او در سینه نمی‌گنجد
 (۳) ای خواجه برو بنده آن زهره‌جبین باش
 (۴) شاخ گلی که ابش از جوی دیده دادم
- ۱۵۸- کدام بیت «فاقد» وزن دوری (همسان دو لغتی) است؟
 (۱) نا تو به گلشن آمدی با همه درکشاکشم
 (۲) در وادی محبت دانی چه کار کردم
 (۳) تا خیل غمت خیمه زد اندر دل تنگم
 (۴) ای کعبه مقصودم وی قبله امالم
- در این معامله گر عمر من وفا بکنند
 خورشید را گدا و تو را شاه می‌کشند
 که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
 که فلک تیره شد از تیرگی کوکب ما
 همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم
- ترک است و به چوگان بزند چون گویم
 یک دل و این همه غم وای به من
 که رحمت بر نهدت چو رحمت بری
 به از پادشاهی که خرسند نیست
 آینه صفت محو تماشای تو باشد
- و اندیشه تو از دل و جانم نمی‌رود
 دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه
 در لطف تو کس بر من ننهد گر تو بگشایی
 خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت
- که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت
 منبش خاک در خلوت درویشان است
 در عرصه خیال که آمد کدام رفت
 گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت
- هنوز با من بیدل تو بر سر کینگی
 کاشانه بدین تنگی یک باره خراب اولی
 در بندگی خاک درش صدرنشین باش
 دورم ز خویشتن کرد با صد هزار خواری
- و که تو در کنار گل من به میان آتشم
 اول به سر دویدم آخر ز پا فتام
 از تنگ‌دلی با در و دیوار به جنگم
 میسند بدین روزم مگذار بدین حال

۱۵۹- وزن کدام مصراع در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- (۱) راز همه کرد افشا نموده رخ زیبا (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)
- (۲) نشستم از سر زلفش ولی به روز سیهی (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن)
- (۳) امشب ای زلف سیه سخت پریشان شده‌ای (فَاعِلَاتِنِ فَعِلَاتِنِ فَعِلَاتِنِ فَعِلَاتِنِ فَعِلَاتِنِ)
- (۴) دوش ز دست رقیب ساغر می خورده‌ای (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)

۱۶۰- با توجه به عروض و قافیه کدام گزینه، در مورد رباعی زیر «غلط» ذکر شده است؟

«بازار قبول گل چو شد خوش خوش تیز
گل گفت که آب قدمش خیره مریز
گفتم که به باغ درشوای دلبر خیز
ما دست گلابگر گرفتیم و گریز»

- (۱) ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.
- (۲) در بیت اول از اختیار شاعری ابدال استفاده شده است.
- (۳) در بیت دوم شاعر دو بار مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است.
- (۴) قافیة رباعی براساس قاعده «۲» آمده است و حرف روی «ز» است.

۱۶۱- مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع
تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود
گل نصیب دست گلچین است گویی نیست هست
خرج اشک و آه شد جسم نزارم همچو شمع
هرچه داریم از برای دیگران داریم ما

«این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را
(۱) کاش چون شمع همه سر شود اعضای کلیم
(۲) وصل جنان قسمت اهل هوس شد ای دریغ
(۳) تا گشودم دیده روشن در این ظلمت‌سرا
(۴) قسمت ما چون کمان از سهم خود خمیازه‌ای است»

۱۶۲- مفهوم قطعه زیر از کدام بیت دریافت می‌شود؟

که می‌گویند ملاحان سرودی
به سالی دجله گردد خشک رودی
چراغ مهر عالم‌تاب مستغنی است از روغن
زود باشد کش به شب روغن نماند در چراغ
پیش‌تر از خانه می‌بایست خود را ساختن
از کنار ابر تا دریا تنزل بآیدش

«چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن
اگر بازاران به کوهستان نبارد
(۱) فروزد شمع اقبال به نور خویشتن آری
(۲) ابلهی کاو روز روشن سُمع کافوری نهد
(۳) کرد خرج آب و گل کوتاه بینی‌ها مرا
(۴) قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن»

۱۶۳- مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز:

داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود
تا در زمانه باقی است آواز باد و باران
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
فتنه‌انگیز جهان غمزه جادوی تو شد

(۱) گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود
(۲) این نغمه محبت بعد از من و تو ماند
(۳) از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
(۴) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت

۱۶۴- کدام ابیات، در بردارنده مفهوم «انتظار» است؟

تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست
از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران
او سرسپرده می‌خواست من دل‌سپرده بودم
ماه اگر حلقه به در کوفت جوابش کردم
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را
(۳) ب - د (۴) ب - ه

(الف) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست
(ب) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد
(ج) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که
(د) شب چو دربستم و مست از می ناپش کردم
(ه) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
(۱) الف - ج (۲) الف - ه

۱۶۵- مفهوم «بی‌توجهی معشوق، انابت و تضرع، طلب جلوه‌گری، وفاداری» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

وز لعل شکر بار می و نقل فرو ریز
همواره مرا کوی خرابات مقام است
گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند
خرم کند جهان را باران صبحگاهی
(۳) ب - الف - د - ج (۴) د - ج - الف - ب

(الف) در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز
(ب) تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است
(ج) پیش کمان ابرویش لابه همی کنم ولی
(د) اشک سحر زداید از لوح دل سیاهی
(۱) ج - د - الف - ب (۲) ج - د - ب - الف